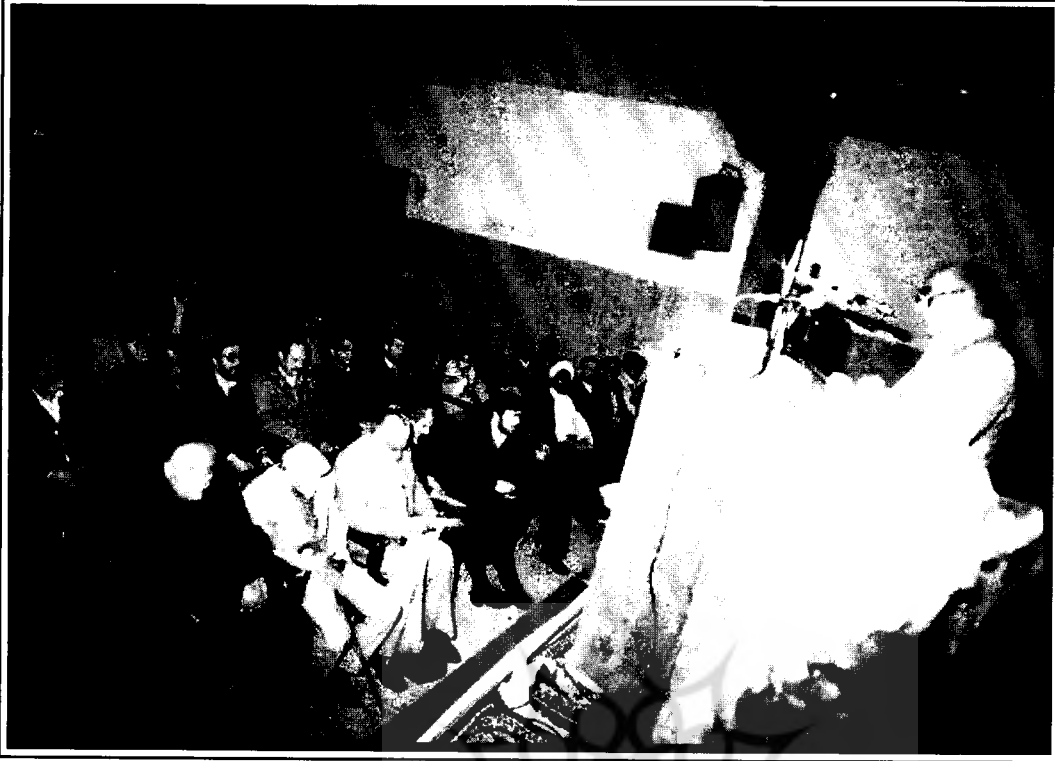


شورایی پنج نفره،  
متشکل از سید، قیصر،  
محمدی نیکو، سهیل  
و من؛ هر کدام هم به  
دلیل و مناسبتی. مثلاً  
سید، پست من را در  
شورا «پاسدار وزن»  
گذاشته بود

شعر خوانی استاد مشفق کاشانی



## انجمن ادبی صبا کاشان

علی شریف (مسئول انجمن)

پاورقی صفحه ۱۷ می نویسد: «فخرالواعظین از طرف مادر نواده‌ی حاج میرمعصوم خاوری کوزه‌کنانی است و به همین مناسبت او نیز تخلص جد خود (خاوری) را اختیار کرده است. حاجی میر معصوم کوزه‌کنانی (که از احفاد شمس العارفین شمس تبریزی است) در ایام جوانی از تبریز به کاشان آمد. به واسطه‌ی استعداد و ذوق ادبی که داشت به عضویت محفل ادبی صبا پذیرفته شد و با یکی از برادرزادگان صبا نیز ازدواج کرد و ثمره‌ی این زناشویی دختری بود که بعدها همسر سید هاشم واعظ گردید».

بنابراین سند قدمت انجمن صبا به بیش از دو قرن می‌رسد. زمانی که مدرسه‌ی سلطانی کاشان به فرمان فتحعلی‌شاه ساخته شده، ماده تاریخ اتمام بنای آن را فتحعلی‌خان صبا ضمن قصیده‌ای سروده است:

**این مدرسه پیرایه‌ی اتمام پذیرفت**

**و آوازه زیبایی‌اش افتاد در افواه**

**چون جست صبا پیش ز خرد مصرع تاریخ**

**گفتا که بود مدرسه‌ی فتحعلی شاه**

کل قصیده در کتیبه کاشی‌کاری ایوان زیر گنبد مکتوب است. در همین اوان، میرمعصوم خاوری تاریخ بنای صفه‌ی فتحعلی‌شاهی و تعمیر و تزئین باغ فین را ضمن قصیده‌ای به مطلع:

**زهی عشرتگه خاقان خه‌ی خرگاه خاقانی**

**ندانم نقش ارزنگی تو یا صورتگر مانی**

چنین آورده:

انجمن ادبی «صبا» کاشان، یکی از قدیمی‌ترین انجمن‌های ادبی ایران و ام‌المحافل شعر و ادب کاشان است که از دیرباز در کاشان دایر بوده و بیش از نیم قرن است که مشخصاً بدین نام در این شعر فعالیت دارد و در این مدت به جهت افزایش جمعیت و گسترش شهر و کثرت شاعران، انجمن‌های متعددی از آن متفرع شده و به فعالیت پرداخته‌اند.

بنا به شواهد تاریخی این شهر از قدیم‌الایام یکی از مراکز مهم علم و صنعت و شعر و ادب و هنر بوده و ارتباط و مراوده و تعاطی افکار بین شاعران این دیار و بلاد اطراف چون قم و اصفهان و دیگر شهرهای ایران وجود داشته است؛ چنان‌که در عصر صفوی صائب تبریزی از محضر حکیم رکنای مسیح کاشانی و در دوران زندیه فتحعلی‌خان صبا کاشانی از محضر میرزا سلیمان صباحی بیدگلی بهره جسته و تخلص از او گرفته و قصاید غزایی در مدح استاد خود سروده است. صبا از نظر انتساب به دربار و داشتن مناصب مهم دیوانی (حکومت قم و کاشان) و کثرت و جزالت اشعار و لقب ملک‌الشعرایی، یکی از نامورترین شاعران پرآوازه‌ی کاشان است که تعداد آنان هم در تاریخ علم و ادب این شهر کم نبوده است و وجود بزرگان علم و ادب در این دیار سبب می‌شده که طالبان علم و عرفان و مشتاقان شعر و ادب بدین شهر روی آورند و کسب فیض کنند. مرحوم آقای حسن نراقی محقق و نویسنده‌ی تاریخ اجتماعی کاشان، در کتاب «زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی» (سیداحمد فخرالواعظین، فرزند سیدهاشم واعظ) در



## به پایان کاخ سلطانی چو آمد خاوری گفتا که جاوید از جلوس شاه بادا کاخ سلطانی

کل قصیده در کتیبه‌ی دور صفه مکتوب است. حاصل کلام این که مجامع شعر و ادب در هر دوره در این شهر برقرار بوده است. تا آنجا که من یاد دارم و از شصت و اند سال پیش به طور مستمع آزاد و مبتدی در انجمن ادبی که به سرپرستی استاد حسینعلی منشی در بعد از ظهر جمعه‌ها تا نزدیک غروب آفتاب که امکان استفاده از روشنایی روز بود، در یکی از مکان‌های عمومی نزدیک منزل استاد منشی مانند مدرسه‌ی سلطانی یا دبستان ابن سینا در کوچه تبریزی‌ها تشکیل می‌شد شرکت می‌کردم، شاهد حضور سخنوران و هنرمندانی چون مشفق کاشانی، تراب، صناعی، حداد، پرستش، سیدی، سهراب سپهری، صناعی، طیب‌زاده، ماهر، فیضی، لشکری، آل یاسین و... بودم؛ آن زمان با وجود محدودیت امکانات، فعالیت‌های ادبی جریان داشت، اشعار شاعران نقد و بررسی می‌شد و اشکالات اشعار و نکات و رموز شعر توسط استاد گوشزد می‌شد؛ ابیاتی از شاعران معروف به اقتراح گذاشته می‌شد؛ شاعران اشعار انتقادی خود را با تخلص خود یا نام مستعار برای انتشار به جای می‌فرستادند و... استاد مشفق با خط خوش و قریحه‌ی سرشار از فعالان انجمن بود که دوازده‌بند محتشم را جالب و جذاب تضمین کرد و منظومه‌ی "شاهنگ" و مجموعه‌ی "خاطرات" را سرود و بر منظومه‌ی "در کنار چمن" سهراب و دیوان تراب مقدمه نوشت و در طبع و نشر آنها اهتمام ورزید و با این گونه اقدامات محرک و مشوق دیگران بود. بعدها هم که دبیرستان محمودیه دایر شد و آقای دکتر حسین لسان عضو انجمن عهده دار ریاست آنجا بود، مدتی انجمن در سالن آن دبیرستان تشکیل می‌شد و بعد از احیاء و تعمیر بقعه‌ی محل دفن سیدابوالرضا راوندی کاشانی در انتهای کوچه جنب دبیرستان محمودیه توسط دایره باستان شناسی که مسوول آن آقای مصطفی فیضی بود و تاسیس کتابخانه در آن محل توسط اداره فرهنگ

و هنر کاشان که آقای فیضی هم در آن اداره مسوولیت داشت، آنجا محل ثابت انجمن گردید و تابلوی فلزی در کتیبه‌ی چارچوب درب ورودی آن نصب شده بود که به خط مرحوم آقای صناعی پدر آقای دکتر صناعی «انجمن ادبی صبا کاشان» بر آن نوشته شده بود و نشریه‌های انجمن تحت عنوان انجمن ادبی صبا با اعتبار اداره فرهنگ و هنر و کمک و همکاری بی‌دریغ و ایثارگرایانه‌ی اعضا طبع و نشر می‌شد. پس از هجرت استاد منشی به تهران و درگذشت آن شادروان، سرپرستی انجمن به استاد فیضی محول گردید. استاد مشفق کاشانی در مصاحبه با دو هفته‌نامه‌ی رضوان و در کتاب نفیس "سرگذشت یادها" انجمن را که در آغاز به سرپرستی استاد منشی تشکیل شده به نام کلیم کاشانی قلمداد فرموده‌اند که من از آن اطلاع نداشتم بنابر این سند معتبر، آقای فیضی احیا کننده‌ی انجمن صباست و آقای شیدا که در تاریخ ۱۳۷۴ به اتفاق آقای وارسته انجمن کلیم را تشکیل داده‌اند، احیا کننده‌ی انجمن کلیم‌اند.

در حال حاضر هم این دو انجمن (صبا و کلیم) بعد از ظهر جمعه‌ها در خانه‌ی هنرمندان که به همت و سرمایه‌ی شخصی آقای استاد علی اکبر حلی که از معماران هنرمند و فرهنگ دوست و خیر این دیار است، دایر شده و جلسات مشترک دارند و همچون انجمن‌های فرهنگی ادبی دیگر این شهر که در سایر شب‌های هفته در این مکان تشکیل می‌شود منشاء اثرات و خدمات سودمند و افتخار آفرین برای فرهنگ و ادب پارسی می‌باشند. انتشار مجموعه‌های پر بار و گرانبها و ماندگار از اشعار و آثار هنرمندانه شاعران این دیار و ترجمه‌های منظوم قرآن و نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه نشانه‌های گویا برای فعالیت‌ها و فداکاری‌های شاعران متعهد این دیار است. اداره جلسات عصر جمعه، اکنون به عهده‌ی آقای علی رضا شیدا است که کوشش و فعالیت ایشان در برگزاری جلسات و همایش‌ها و گردآوری مجموعه‌های شعر و ادب قابل تقدیر است.

هر پنج‌شنبه سلمان به  
جلسه حوزه می‌آمد؛  
خصوصاً که از مدتی بعد  
در دانشگاه هنر تهران  
مشغول تحصیل شد.  
هر موقع هم که می‌رفت  
شمال، با ساکی به قول  
سیداز مهربانی و نازنگی  
بر می‌گشت.

